

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نذیر دلسوز
۰۵ سپتمبر ۲۰۱۵

[Arash Nikon](#)

۱ ساعت

ظالم مردسالار تحت لوای دین اسلام، زنان را مورد ظلم قرار می‌دهد

IMG_5827

مصاحبه با رونیا آویر (عضو مطبوعات کژار)



همان طور که مطلع هستید در این اواخر به خصوص در کشورهای اسلامی ستم و پایمالی حقوق که در رابطه با حق و حقوق زنان انجام می‌گیرد به بحث روز مبدل گشته است. به نظر شما در اسلام چه جایگاهی برای زنان اختصاص داده شده است و یا این که حقوق زن در دین اسلام چگونه تعریف می‌شود؟

بعد از مداخله‌ای که در خاورمیانه صورت گرفت، افکار و اندیشه اسلام افراطی به شکل بارزی نمایان گشت. سعی نمودند جوامع را نیز در این راستا جهت‌دهی نمایند. برای همین از هیچ عملی فروگذار نکرده و چشم پوشیدند. این موارد به شکل به خصوصی بیشتر از هر قشر دیگری زنان را هدف قرار داده است. به عنوان نمونه می‌توان کشورهای عربی از تونس گرفته تا سوریه که انقلاب خلق‌ها در آنجا توسعه یافته را مثال زد. همچنین در خیلی از

کشورهای اسلامی دیگر نیز این وقایع بسیار آشکار به چشم می‌خورند. تحت لوای اسلام زنان بیشتر از هر کس قربانی داده، مورد تجاوز قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند. داعش در جنگ‌های سوریه و عراق تنها با یک الله اکبر زنان را به عقد خویش درآورده و مردان آنها را می‌کشند. در کشورهای دیگر زنان برای کارهای کنیزی و بردگی به‌کار گرفته می‌شوند و به عنوان غنیمت جنگ از آنها استفاده می‌شود. در نیجریه صدها زن مسیحی را گروگان گرفته و به زور شمشیر وادار به تغییر دین نموده و با خطرات جدی روبه‌رو می‌سازند. در ایران نیز به همین منوال به شیوه‌های مختلف زنان را با سوءاستفاده از نام اسلام با خشونت‌های گوناگون همچون صیغه نمودن که بدان لباس شرعی پوشانیده‌اند، صدور حکم مرگ و اعدام با نام محارب و دشمنی با خدا، تجاوز به زنان با نام اسلام تحت عناوین مختلف و ... که قابل شمارش نبوده، روبه‌رو می‌سازند. در حالی که اسلام واقعی از هیچ کدام از این اعمال بحث ننموده و حق و حقوق انسان‌ها را بدین شیوه تعیین ننموده است. خدا در هیچ آیتی نفرموده که گی و کجا دلتان خواست، به زنان و دختران تجاوز کنید و نامش را هم شریعت بگذارید. چنین ظلمی را هم نه خدا و نه هیچ کسی در دنیا نمی‌تواند قبول کند، چه برسد به جوامع زنان که مظلوم‌ترین وضعیت را دارند. تمام اعمال موجود به طور کل با محتوای اسلام و قرآن در تضاد می‌باشد و قابل قبول در مجمع انسانیت نیست و نمی‌باشد.

به چه علت نظام مقتدر و حاکم مردسالار تحت لوای دین اسلام، زنان را مورد ظلم قرار می‌دهند. به نظر شما این‌گونه اعمال با اسلام واقعی یعنی اسلام در تضاد نمی‌باشد؟

جامعه اسلامی به طور کل به اعتقادات خویش پایبند بوده و دین‌دار می‌باشند. آنچه را که باور نموده و بدان معتقدند، عملی نموده و ایمان می‌آورند. نظام حاکم و مردسالار نیز از اعتقادات و باورداشت‌های جامعه و خلق به صورت جدی در راستای منافع خویش سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که آنچه را که آنها بر خلق و زنان اعمال می‌دارند، نه تنها ربطی به اسلام واقعی ندارد، بلکه به تمامی بالعکس اسلام بوده و تنها با نام اسلام برخی از کسانی که خود را نماینده خدا می‌دانند، آیات و حدیث‌های دست‌ساخته خویش را بر جامعه تحمیل می‌سازند. اسلام واقعی از اخلاق، انسانیت، حیات سالم و صحیح، شرف، کرامت، حق و حقوق، برابری زن و مرد و ... سخن می‌گوید و جامعه را به حق و عدالت دعوت می‌کند، درحالی که تمامی اعمال نظام اقتدارپرست و دولت‌گرا علیه گفته‌های قرآن و اسلام می‌باشد. نه تنها حق و عدالت را برپا نکرده، بلکه بیشترین ظلم و بی‌عدالتی را روا می‌دارند. چنین ذهنیت جنسیت‌گرا و زن‌ستیزی که موجودیت بارزاده و آزاد زن را همیشه برای منافع قدرت خویش خطر ساز دیده، سعی می‌نماید با این اعمال آنها را وادار به اطاعت از اوامر خویش نموده و بترساند. بدین‌گونه در تلاش است آنها را بیشتر برده و مطیع خود سازد و از پتانسیل آزادیخواهی و عصیان‌گر زنان که هر آن احتمال فوران دارد، ممانعت به عمل آورد.

سلطه‌جویان رژیم حاکم بر ایران نیز خویش را گویا دولتی اسلامی و محافظ فرهنگ اسلام می‌دانند، اما از طرف دیگر بالعکس آنچه که از آن بحث می‌نمایند به آسانی موجودیت، اراده، شرف، فرهنگ، حق و حقوق خلق‌ها و به خصوص زنان را پایمال می‌نمایند. به نظر شما از نظر حفظ حقوق انسانی در جامعه چه فرقی مابین اسلام واقعی و رژیم اسلامی ایران وجود دارد؟

به تمامی در تضاد می‌باشد. نظام گویا اسلامی هیچ‌گاه اسلامی نبوده و اعمال او نیز در راه اهداف اسلام نبوده، بلکه در راستای عملی ساختن اهداف ذهنیت جنسیت‌گرا و استثمارگرش می‌باشد. آنچه را که تحت عناوین شرف، اراده، فرهنگ، حق و ... از آن بحث می‌کند، تنها جملاتی در چارچوب تئوری بوده برای فریب دادن جامعه و به خصوص زنان است در حالی که عمل نظام چیزی مجزاتر از آن است که اسلام از آن سخن رانده است. اگر واقعاً عمل رژیم

ایران در راستای برقراری عدالت و در چارچوب اسلام واقعی می‌باشد، پس چرا تمامی دولت‌مردان ایرانی از ثروتمندترین انسان‌های ایرانی هستند، در حالی که اکثراً افراد جامعه ایران از فقر و گرسنگی می‌نالند و برای سیر نمودن شکم‌شان برخی از دختران و زنان بی پناه مجبورند تن‌فروشی نمایند. چرا هر چیزی برای دست‌اندرکاران نظام مباح بوده و برای ملتش حرام است؟ آیا عدالت این است، یا واقعاً مسأله چیز دیگریست؟! نیک می‌دانیم که حضرت محمد اگر می‌دانست یک نفر گرسنه‌ست حتماً جهت رفع آن اقدامی انجام می‌داد و اینگونه درد ملتش را درک می‌کرد. تلاش ایشان در راستای برقراری عدالت و از میان برداشتن طبقه و صنف در حد یک انقلاب بود. اما اقشاری هستند که تحت نام دین پیامبر به تحریفات جدی در دین اسلام دست زده‌اند و این اقدامات را تکرار می‌کنند. نه اعمال و نه کردارشان با اسلام حقیقی سنخیت دارد. نظامی به تمامی ضدزن و جنسیت‌گرا که زن را بیشتر از نصف مرد و کمتر دانسته و بی‌ارزش جلوه می‌دهد. در صورتی که احترام اسلام واقعی برای انسان‌ها قابل توجه بوده است. پس هر کس و هر دولتی که از اسلام بحث می‌نماید، بدین معنا نیست که واقعاً اسلامی‌ست و کردارش نیز در این راستا صورت می‌پذیرد. چون اوامر اسلام واضح و آشکار هستند.

نظام ایران سعی دارد پشت پرده اسلام و دین آنچه را که می‌خواهد بر جامعه تحمیل سازد. در اصل خویش را نماینده خدا و پیامبر بر روی زمین دانسته و به مهندسی جامعه می‌پردازد. همانطور که شما هم مطلعید در این اواخر دست‌اندرکاران دولت رژیم اسلامی ایران برای این که زنان را در چهاردیوار منزل محبوس سازند، تحت بهانه‌های متنوع همچون افزایش جمعیت، قانون و پروژه‌های جدیدی ارائه داده و تا حدودی هم وارد مرحله عمل شده‌اند. شما نتیجه‌ی چنین برخوردی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

دخالت در اراده و حتی چگونه فکر نمودن در ایران مبدل به امری عادی و روزانه گشته که رژیم اسلامی ایران حتی این مداخلات را تا به حد اتاق خواب و زندگی خصوصی خانواده‌ها هم رسانده است. به مرحله‌ای رسیده است که بایستی برای هر فردی و هر خانواده‌ای تعیین تکلیف نماید که چگونه زندگی کرده، چگونه ارتباط برقرار نمایند، چگونه لباس پوشیده و چند فرزند به دنیا آورده و حتی کی به دنیا آمده و کی از دنیا بروند. در واقع با این کردارش نه این که می‌خواهد اوامر خدا را به خلق بقبولاند، بلکه اوامر خویش را که خدای روی زمین دانسته به مردم و به خصوص زنان و جوانان همچون امری تحمیل نموده و سرپیچی از آنها نیز سزایش گرفتن جان و مرگ است. نمونه بارز آن افزایش جمعیت و مجبور ساختن زنان برای به دنیا آوردن سرباز بیشتر جهت خدمت بیشتر به نظام زن‌ستیز ایران می‌باشد. با آوردن نمونه‌ای از اسلام که زن را به گل تشبیه نموده، خواهان آنند که برای جلوگیری از فعال نمودن زنان در سطح جامعه با این گونه بهانه‌ها زنان را بیشتر در منازلشان محبوس ساخته و نقش مادر بودن را برایشان مقدس سازند. در حالی که خود اسلام نیز به این نکته باور دارد که حتی گل نیز برای حفاظت و دفاع از خویش به چیزهایی خارج از قالب گلدان نیاز دارد. گل هم از طریق خارهایش از خویش دفاع کرده و ناحقی را قبول نمی‌کند. در صورتی که نظام این حق را از زن گرفته و سعی دارد راه نفس کشیدن زنان را نیز بند آورده و تیپ زنانی را طبق ذهنیت مردسالار خود بوجود آورد. مسأله افزایش جمعیت نیز جهت پس‌زدن زنان از فعالیت و فعال بودن در تمامی عرصه‌های اجتماع می‌باشد. مبدل ساختن زن به ماشین بجهزائی بدون این که میل و اراده زن در آن دخالت داشته باشد امری‌ست غیرقابل قبول. تمامی موارد موجود و مذکور اثبات می‌سازد آنچه را که نظام ایران تحت نام اسلام به خورد جامعه داده و می‌دهد، دروغ و گرافه‌گویی بیش نبوده و تمامی اعمالش کاملاً به ضد اسلام است.

طبق آماري که در اين اواخر در رسانه‌ها اعلام شده، افزايش قتل‌هاي ناموسي در ايران و شرق کوردستان به ۳۰٪ رسيده است، در حالي که به وضوح مي‌بينيم نظام هم در برابر اين وقايع هيچ‌گونه عکس‌العملی نشان نداده و يا قانونی که بتواند از زنان در اين گونه شرايط محافظت نمايد، وجود ندارد. به نظر شما وقوع چنين رويدادهائي در سطح جامعه از چه مواردی نشأت مي‌گيرد و خود نظام در به وجود آوردن چنين شرايطی چه نقشی دارد؟

جامعه ايران، جامعه‌ای سنتی بوده و قانون موجود در حال حاضر نيز قانونی مردسالارانه است. هر دو مورد به طور کافي مي‌تواند تمامی زمينه‌های اجتماعی را بر زنان تنگ ساخته و حيات را برايشان مي‌دلد به جهنم سازد. در ايران و شرق کوردستان اگر خیلی از مواقع به دلايل خیلی ساده دختران و زنان خویش را به قتل مي‌رسانند، همزمان نه جامعه و نه قانون نيز دخالتی در آن انجام نمی‌دهند و حتی به طور کامل سکوت را رعايت می‌کنند. زیرا معتقدند که چون طبق اعتقاد اسلام زن نصف مرد بوده و مرد به تمامی هر حقی را بر زن می‌تواند داشته باشد و يا اين که صاحب او بوده، پس اگر کار و اعمال زن را خطا ببیند، می‌تواند براحتی جانش را بگیرد. اما اگر به آیت‌های قرآن نگاهی بیندازیم، خدا در قرآن می‌فرماید که جان را ما داده‌ایم و ما خواهیم گرفت، اگر گناهی هم مرتکب شده باشد، سزایش را خدا خواهد داد نه برخی‌ها. اما در جامعه ايران خیلی آسان جان انسان‌ها را گرفته، کشته و اعدام می‌کنند، اما هيچ عکس‌العملی و موضعی در برابر آن وجود ندارد، چون زن است. اين موارد متأسفانه باعث شده که آمار قتل‌هاي ناموسي به ۳۰٪ برسد، بدون اين که هيچ‌گونه نارضايتی جهانی و داخلی در برابر آن وجود داشته باشد. کمتر از یک حيوان هم برای زن ارزش قائل نبوده و هر وقت که ناراحت شده و دلشان بخواهد، می‌توانند جانش را بگیرند. همان عمل انجام شده برای یک مرد گناه محسوب نشده و بالعکس موردی عادی هم به نظر می‌رسد. پس می‌توان نتیجه گرفت که ذهنیت مردسالار تحت لوای اسلام در مقابل جامعه زنان دست‌به‌يکی کرده اند و اتحاد خویش را اعلام داشته‌اند تا هر چه بیشتر بتوانند در راستای بی‌هویت و منزوی‌ساختن زنان گام بردارند و جامعه‌ای برده با زنان برده برای خویش ساخته و در ضمانت قرار دهند.